

Investigating the Challenges Facing the Development of Performing Arts in the Cultural and Artistic Centers of the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults

Hossein Moazzen*

Esmaeil Kavousi**, Mohsen Ameri Shahrabi***

Abstract

The purpose of this study was to identify the challenges of the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults in the development of performing arts. In order to achieve this goal, the development policies of this Institute in this area were studied as the main question of the research. The research, in terms of method and its mixed nature, was based on the grounded theory (qualitative) and descriptive-survey (quantitative) methods. The statistical population of the study in the qualitative section included experts in the field of performing arts at this Institute. The statistical population of the quantitative part consisted of managers, experts and educators of this Institute. The sampling method was theoretical sampling. The qualitative measurement instrument was an interview and the quantitative measurement instrument was a closed questionnaire. The questionnaire contained 72 closed questions and a 5-point Likert scale was used in the questionnaire. Questionnaires were distributed among 30 managers, experts and educators of this Institute. The analysis of the results using SPSS 20 software indicates that the

* PhD Student of Cultural Policy, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran
(Corresponding Author), moazzen51@gmail.com

** PhD in Management of Cultural Affairs, Faculty Member of Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, ekavousy@yahoo.com

*** PhD in Management of Cultural Affairs, Faculty member of Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, mohsen.amerishah@gmail.com

Date received: 21/10/2020, Date of acceptance: 02/03/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

development challenges of this Institute in cultural and artistic centers are mostly influenced by the categories of education, finance, management, rules and policy. Based on the study results, and the views of managers, experts, and trainers of the Institute, suggestions to improve the situation were considered.

Keywords: Performing Arts, Cultural Development, Development of Performing Arts, Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults.



بررسی چالش‌های فراروی توسعه هنرهای نمایشی در مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

حسین موذن*

اسماعیل کاوسی**، محسن عامری شهرابی***

چکیده

هدف پژوهش، شناسایی چالش‌های فراروی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در توسعه هنرهای نمایشی است. در مسیر رسیدن به این هدف، سیاست‌های توسعه‌ای کانون، در این حوزه نیز بعنوان سوال اصلی پژوهش، بررسی شده است. تحقیق از لحاظ روش و ماهیت ترکیبی، برخاسته از نظریه داده بنیاد (کیفی) و توصیفی - پیمایشی (کمی) است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل خبرگان در زمینه هنرهای نمایشی در کانون است. جامعه آماری در بخش کمی را مدیران، کارشناسان و مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری نظری و حجم نمونه نظری تراکمی است. ابزار اندازه‌گیری کیفی مصاحبه و ابزار اندازه‌گیری کمی پرسشنامه بسته می‌باشد. پرسشنامه حاوی ۷۲ سوال بسته بود و از مقیاس طیف ۵ تایی لیکرت در پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه بین ۳۰ نفر از مدیران، کارشناسان مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کانون توزیع شد. تحلیل نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS 20، حکایت از آن دارد که چالش‌های توسعه‌ای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در مراکز فرهنگی و هنری، بیشتر متاثر از

* دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Moazzen51@gmail.com

** دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران، ekavousy@yahoo.com

*** دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران، mohsen.amerishah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

مقولات آموزشی، مالی، مدیریتی، قوانین و سیاستگذاری است. بر اساس پژوهش انجام شده، و دیدگاه مدیران، کارشناسان، مربیان و خبرگان کانون، در پایان پیشنهادهای در جهت بهبود شرایط لحاظ گردید.

کلیدواژه‌ها: هنرهای نمایشی، توسعه فرهنگی، توسعه هنرهای نمایشی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۱. مقدمه

تاکید جوامع مدرن بر توسعه هنرهای نمایشی بویژه برای کودکان و نوجوانان، متأثر از دیدگاه‌های توسعه فرهنگی است. سازمان یونسکو دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ را دهه توسعه فرهنگی نام گذاری کرد. انیستیتو جهانی تئاتر (آی تی آی) برای نخستین بار در سال ۱۹۴۸ از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) تاسیس و در سال ۱۹۶۲ میلادی برای اولین بار روز جهانی تئاتر را به تصویب رساند و پس از آن این اصطلاح و زیر شاخه‌های فرهنگی و هنری آن در جوامع مختلف رایج گردید. در اهمیت هنرهای نمایشی بویژه برای کودکان بسیار گفته اند و شنیده ایم، ارسطو سه قرن قبل از میلاد مسیح (ع) در کتاب بوتیقا یا همان فن شعر هدف تئاتر را تزکیه نفس می داند. از این منظر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بعنوان مهمترین سازمانی که برای پرورش فکری کودکان و نوجوانان تاسیس شده است، وظیفه توسعه هنرهای نمایشی و بویژه تئاتر بعنوان واسطه تربیتی در دورترین مناطق کشور را دارد چرا که دوران کودکی مهمترین و حساسترین دوران شکل گیری شخصیت هر فرد است بی توجهی به آن نتایج جبران ناپذیری بدنبال خواهد داشت، زیرا پایه و اساس جامعه فردا را کودکان امروز تشکیل می دهند در جامعه ای که کمتر به کودکان توجه شود، کودکان نابهنجار و بزهکار بیشتری مشاهده می شود و معضلات اجتماعی آنها بیشتر است. در این راستا، شناخت صحیح ابعاد مختلف جسمی و روانی این گروه سنی و کوشش در راه تأمین شرایط مادی و معنوی مناسب برای رشد بدنی، عاطفی، فکری آنان واضحتر از آن است که احتیاج به تأکید داشته باشد (خدام و همکاران، ۱۳۸۸؛ کوشان و همکاران، ۱۳۸۰).

تئاتر یکی از واسطه‌های تربیتی، آموزشی است و در آموزش و تربیت کودک، نقش بسیار مهمی دارد. بسیاری از اصول اخلاقی، آداب و رسوم، تاریخ کشور و فرهنگ ملی و مذهبی را می توان بوسیله تئاتر به کودک منتقل کرد و خیلی از این مسائل، در

کتاب‌های درس وجود ندارند. نمایش تئاتر، نوعی تمرین نقش بزرگسالی است. کودکی که با عروسک، بازی می‌کند و با عروسک مانند بچه اش رفتار می‌نماید، کودکی که نقش فروشنده را بازی می‌کند و ... هرکدام در حال تمرین زندگی آینده خود می‌باشند (قاسم‌زادگان جهرمی، ۱۳۸۸).

هر فرد در جامعه برای رسیدن به اهداف و ارضای امیال و خواسته‌های خود باید رفتار اجتماعی مناسب و شیوه ارتباط صحیح با دیگران را بیاموزد و خود را با جامعه هماهنگ و سازگار سازد. این امر جز با شناخت و درون‌سازی آگاهانه بهنجارها، ارزشها، آداب‌ورسوم، اصول و قوانین جامعه و کسب مهارت‌های اجتماعی میسر نیست. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک گرفتن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی کردن، مثالهایی از این نوع رفتارها هستند. یادگیری این نوع رفتارها و ایجاد رابطه موفق با دیگران، یکی از مهمترین دستاوردهای دوران کودکی است (پلومر، ۱۳۹۱). نمایش تئاتر، قدرت خلاقیت کودکان را بالا می‌برد، مخصوصاً اگر در انتخاب نقش‌های خود، آزادی داشته باشند و یا از آن‌ها خواسته شود که نمایش‌نامه‌هایی را به میل خود بنویسند. وقتی کودک در نقشی ظاهر می‌شود، باید خیال کند که چنین شخصیتی است، چوب‌های اطراف او درخت هستند و این موضوع باعث تقویت قدرت تخیل کودک می‌شود و از این راه خلاقیت را بالا می‌برد. وقتی با کودکان تئاتر کار می‌کنید، باعث می‌شوید تا دوستی آنها پایدار شود و روحیه همکاری و کار گروهی در آن‌ها بالا رود اجرای تئاتر توسط کودک باعث می‌شود تا احساس توانایی کند و اعتمادبه‌نفس خود را تقویت نماید. نمایش تئاتر، می‌تواند به عنوان یک روش آموزش به کار رود. بسیاری از درس‌ها، مخصوصاً ادبیات و تاریخ را می‌توان به شکل نمایش‌نامه در آورد. استفاده از نمایش، سرعت یادگیری را بیشتر می‌کند، مطالب آموخته شده از راه نمایش، مدت بیشتری در ذهن می‌ماند، علاقه به یادگیری را افزایش می‌دهد و باعث به کارگیری مطالب آموخته شده می‌گردد. از تئاتر می‌توان به عنوان بازی استفاده کرد به‌طور مثال زمانی که کودکان به خاله بازی می‌پردازند، در حقیقت نوعی نمایش بازی می‌کنند و طی آن نقش‌های بزرگسالی را تمرین می‌نمایند و با این حساب می‌توان گفت تئاتر از زندگی کودک جدا نشدنی است. توسعه هنرهای نمایشی، بخش بسیار مهمی از بحث کلان توسعه فرهنگی است که در دستور کار سیاستگذاری فرهنگی کشورها قرار دارد. در این میان برخی از اصحاب اندیشه تاکید مضاعفی بر تاثیر تئاتر بر کودکان

و نوجوانان دارند و کارکردهای تربیتی و اجتماعی متعددی برای آن متصورند. قاسم زادگان جهرمی در مقاله ای در کتاب "کودک و نوجوان" آثار تاتر بر رشد ویژگی های فردی کودکان و نوجوانان را چنین بیان می کند:

۱. ایجاد نگرش، طرز فکر و تغییرات مطلوب فکری
۲. ایجاد زمینه رشد اعتماد به نفس در دانش آموزان
۳. ایجاد زمینه برای رشد احساس زیبا دوستی و حب جمال
۴. ایجاد زمینه برای تقویت ویژگی های شخصیتی (قاسم زادگان جهرمی، ۱۳۸۸).

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از گذشته تا بحال جایگاه و محبوبیت ویژه ای را در بین کودکان و نوجوانان و خانواده هایشان داشته و دارد. با توجه به اعتبار کانون این مرکز می تواند نقش موثری در رشد و توسعه هنر نمایش داشته باشد. تئاتر و نمایش یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای کودک است؛ چرا که بازی یک نیاز است و نمایش، یک بازی جذاب و دوست داشتنی برای کودکی است که قبل از شروع مدرسه نقش های مختلفی را تجربه کرده است. تئاتر و نمایش می تواند ذر رشد هر چه بیشتر ارتباط کودک با خود و دیگران، اعتماد بنفس، بازی و لذت، رشد احساسی، پیش بینی اتفاقات و حوادث، روحیه نقدپذیری، درک اجتماعی، بازی قانونمند و مسئولیت پذیری تاثیر بسزایی داشته باشد. در این راه همکاری و همیاری آموزش و پرورش و کانون میتواند تئاتر مدارس را از شکل و تیرینی به شکل کاربردی تبدیل کند. کانون می تواند با بهره مندی از کارشناسان هنری در راستای تقویت تئاتر کودک، گام اساسی بردارد.

بیش از نیم قرن از شکل گیری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می گذرد. از سال ۱۳۵۱ با تاسیس مرکز تئاتر کانون، نقش هنرهای نمایشی و بویژه تئاتر با گونه های متنوع آن در پرورش فکر و ایجاد خلاقیت در بچه ها پذیرفته شد و مقرر گردید مرکز تئاتر، ضمن الگوسازی، توسعه و تولید تئاتر را به مراکز فرهنگی هنری سراسر کشور که آن زمان کتابخانه نامیده می شد، در اهداف و برنامه های خود قرار دهد. اما پس از گذشت نیم قرن، تولید تئاتر در مرکز تولید تئاتر تهران واقع در پارک لاله محصور شده است و خبری از تولید در مراکز وابسته در سراسر کشور نیست. فعالیت مراکز به شرکت در چند جشنواره درون سازمانی، با آثاری بسیار ابتدایی محدود شده است.

همزمان با تاسیس کانون این فعالیت هنری (تئاتر) مورد توجه ویژه متولیان امر قرار گرفت با توجه به علاقه کودکان به این هنر ضرورت توسعه هدفمند آن، بر کسی پوشیده نیست بویژه

آنکه هجمه‌های فرهنگ بیگانه با استفاده از ابزار سینما و تاتر موثر واقع شده و تاثیر شگرفی بر کودکان گذاشته است لذا لازم است برای پرکردن فضاهای خالی، توسعه هنر نمایش (تاتر) در دستور کار قرار گیرد و توسعه آن مطابق اسناد بالا دستی و سیاستگذاری رسمی کشور و تعالیم دین مبین اسلام مورد توجه قرار گیرد. با توضیحات ارائه شده این تحقیق درصدد است که به بررسی نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در توسعه تاتر کودک و نوجوان در ایران بپردازد.

۲. ادبیات نظری

۱.۲ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران در زمستان ۱۳۴۴ تاسیس شد. مطابق اساسنامه اولیه، هدف از تاسیس کانون، پرورش فکری و ذوقی و اندیشه‌ی کودکان و نوجوانان و تقویت فضایل اخلاقی و توسعه‌ی معلومات آنان از طریق مواد خواندنی و وسایل سمعی و بصری ذکر شده است همچنین ارکان تاسیس کانون نیز متشکل از تعدادی وزیر نظیر: وزیر فرهنگ و هنر، وزیر آموزش و پرورش، وزیر کشور و همچنین مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره‌ی شرکت ملی نفت ایران و مدیر کل بانک ملی ایران و تعدادی جریده و سازمان دیگر که به ۱۴ مورد می‌رسید ذکر شده است. پس از وقوع انقلاب اسلامی، شورای انقلاب در جلسه مورخ ۵۹/۲/۳۱ اساسنامه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را مطابق اهداف انقلاب و آرمانهای اسلامی بازتعریف کرد از جمله در ماده یک، کانون را شرکتی دولتی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی دانسته که طبق مقررات مربوط به شرکت های دولتی اداره خواهد شد. در ماده هفت هدف کانون را ایجاد امکانات لازم جهت رشد و پرورش فکری و ذوقی کودکان و نوجوانان و کمک به شکوفائی استعدادهای ایشان براساس ارزش‌ها و نظام تعلیم و تربیت اسلامی ذکر می‌کند (رحیمی، ۱۳۸۷: ۲۷-۱۹). در دانشنامه ایرانیکا کانون چنین تعریف شده است: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مؤسسه‌ای با گستره‌ای از فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و هنری برای کودکان و نوجوانان است که در دسامبر ۱۹۶۵ بنیاد نهاده شد (چرخچی، ۱۳۹۶: ۸). کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دارای گسترده‌ترین شبکه کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان و نیز از برجسته‌ترین تولیدکنندگان و ناشران کتابهای کودکان و نوجوانان در ایران به شمار می‌رود. کانون همچنین تهیه‌کننده فیلمها و سایر فرآورده‌های

فرهنگی برای کودکان و نوجوانان است. کانون، امروزه بیش از ۱۰۰۰ مرکز فرهنگی ثابت، سیار شهری، سیار روستائی و پستی در سراسر ایران و با ارایه فعالیتهای فرهنگی، هنری با مخاطبان کودک و نوجوان خود ارتباطی چهره به چهره و نزدیک برقرار می کند. قبل از انقلاب نیز حرف و حدیث بر سر گرایش های فکری حاکم بر کانون کم نبود چنانکه برخی معتقدند کانون قبل از انقلاب، پایگاه فکری نیروهای چپ بود. اما پس از انقلاب اسلامی، بطور کلی نگاه کانون معطوف به مسائل تربیتی و دینی از منظر تعالیم اسلامی گردید، گرچه در مقطعی حاکمیت یک جریان خاص مذهبی را به کانون نسبت می دهند اما در همه مقاطع جوهره اصلی برنامه ریزی کانون را تعالیم دینی و حتی مذهبی شکل می دهد. برای هم سو کردن مجموعه ای از نیروهایی که در فضای فکری متفاوتی بالیده اند با این نگرش جدید زمان لازم است و گاهی به جذب نیروهای جدید و هم سو و خداحافظی با برخی نیروهایی که تخصص دارند اما نمی توانند خود را با جریان جدید همسو کنند، چالش بزرگ روزهای نخستین کانون بعد از انقلاب است. این مشکل با توجه به ماهیت هنرهای نمایشی در حوزه تئاتر و سینما بیشتر خودنمایی می کند برخی دیدگاهها با اصل توسعه هنرهای نمایشی در کانون مشکل دارد، برخی با آموزش و ترویج آن مشکل دارند، افرادی هم هستند که با اجرای زنده تئاتر مخالفند اما نمایش عروسکی را مجاز می دانند همین دیدگاه تا سالها و حتی هم اکنون نیز بر کانون حاکم است. البته چنانکه در بحث واگذاری کانون به آموزش و پرورش گذشت این نوع برخورد با هنر نمایش محصول همین واگذاری است که باعث ریزش اعضای نوجوان کانون در سراسر کشور شد. وابستگی کانون به دربار و عضویت شرکت نفت در ارکان مجمع عمومی، تا حدودی محدودیت منابع مالی را مرتفع کرده بود اما پس از انقلاب، سرگردانی و دست به دست شدن این سازمان فرهنگی و از طرفی کمبود شدید بودجه بر چالش های فراروی آن افزود تعریف کانون در قالب شرکت دولتی و تخصیص بودجه در قالب زیان کرد به آن، پرداخت حداقلی دستمزدها و سطح پایین معیشتی کارکنان، چالش دیگر همه حوزه های کانون و بویژه حوزه هنرهای نمایشی است. هرچند گسترش کتابخانه ها و تبدیل آن به مراکز فرهنگی هنری بعد از انقلاب سرعت گرفت چنانکه سال ۱۳۵۷ در کل کشور ۲۵۰ کتابخانه دایر بود اما طبق آخرین آمار سال ۱۳۹۶ بیش از ۱۰۰۰ مرکز فرهنگی هنری در سراسر کشور در خدمت بچه هاست. این گسترش خیره کننده در بعد عمرانی قابل ستایش است اما چالش جذب

نیروی انسانی کارآمد و متخصص که با کمبود بودجه های جاری که شریان حیاتی فعالیت‌های فرهنگی است مرتبط است همچنان به قوت خود باقی است.

۲.۲ مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (کتابخانه‌ها)

مراکز فرهنگی هنری کانون که قبل از انقلاب و تا اوایل دهه هفتاد خورشیدی کتابخانه نامیده می شد، کوچکترین و در عین حال کلیدی ترین واحد سازمانی کانون است. در اوایل شکل گیری کانون، تاسیس کتابخانه در دورترین و محرومترین نقاط کشور، وظیفه خدمات رسانی به بچه ها را به عهده داشت. دامنه فعالیت کتابخانه محدود به امانت کتاب و کتابخوانی بود بعدها و در اوایل دهه هفتاد، و با توجه به نیاز بچه ها دامنه فعالیت کتابخانه ها گسترش یافت و مجموعه ای متنوع از فعالیت های هنری نیز بدان اضافه شد. با توجه به تنوع فعالیت و به منظور تبیین مأموریت های جدید، نام مرکز فرهنگی هنری بر آن نهاده شد. در حال حاضر بیش از هزار مرکز فرهنگی هنری کانون در سراسر کشور به خدمت رسانی به بچه ها اشتغال دارند.

۳.۲ کانون و کانونی، سبک کانونی

کانون و کانونی، اصطلاحی است که در بین طیفی از مردم و بویژه اصحاب فرهنگ و هنر رایج است. با توجه به توفیق کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در امر برند سازی، که متأثر از عملکرد قابل دفاع این سازمان در گذشته دارد، کاربرد اصطلاح کانون و کانونی و ارجاع ذهنی آن به این تشکیلات و پرسنل آن بر می گردد. از جنبه جریان سازی نیز شیوه منحصر به فرد کانون در تولید آثار مختلف و نگاه پرورشی و تربیتی خاص آن، سبک کانونی را در حوزه های مختلف فرهنگی، هنری بوجود آورده است. در این پژوهش نیز برای رعایت اختصار، از اصطلاح کانون و کانونی و سبک کانون، به ازای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بهره جسته ایم.

۴.۲ هنرهای نمایشی (Performing Arts)

هنرهای نمایشی شکلی از هنر است که برخلاف هنرهای پلاستیک، هنرمند در آن با استفاده از بدن و فیزیک خود در وهله نخست و سپس بهره گیری از امکانات دیگر به خلق هنر خود

می‌پردازد. اصطلاح هنرهای نمایشی برای اولین بار در سال ۱۷۱۱ در زبان انگلیسی برای مجموعه‌ای از هنرهای دیداری متکی به بازیگر مورد استفاده قرار گرفت (خلج، ۱۳۸۲: ۱۹). نمایش هنری است ترکیبی شامل انواع هنرها از جمله نقاشی، موسیقی، معماری، شعر و ادبیات که در حقیقت بر سه رکن عمده استوار است. این سه رکن عبارتند از: بازیگر، صحنه و تماشاگر. این سه پیوسته و گاه به تنهایی در طی قرون و ادوار نسبت به هم در تغییر و تحول بوده‌اند. در طی سالیان متمادی عوامل و ارکان دیگری نیز به آنها افزوده شده که عبارتند از: نویسنده و نمایشنامه، کارگردان، بازیگر، طراح صحنه، لباس، نور، گریم، جلوه‌های صوتی، وسایل صحنه و تماشاگر (خلج، ۱۳۸۲: ۱۹). توسعه هنرهای نمایشی بعنوان زیرمجموعه توسعه فرهنگی محسوب می‌شود. اهداف، چهارچوب، و مبحث مربوط به سیاستگذاری آن به موجب اسناد بالادستی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تدوین و ابلاغ شده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۴۵۷ مورخ ۱۳۷۸.۱۱.۲۶، بنا به پیشنهاد شورای هنر، سیاستهای هنرهای نمایشی را تصویب کرد. (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). با توجه به بند ۲۴ از اصول سیاست فرهنگی، دولت موظف است شرایط مادی و معنوی لازم را برای تولید نمایش و ایجاد مکانهای نمایشی در سراسر کشور فراهم آورد و حمایت لازم را برای گسترش و اعتلای هنر تئاتر انجام دهد.

۵.۲ توسعه فرهنگی

توسعه در لغت به معنای وسعت دادن و فراخ کردن است اما توسعه در ادبیات امروز جهان واژه‌ای است با معنا و مفاهیمی گسترده که در تمام امور عمومی جامعه جای خود را باز کرده است. توسعه واژه‌ای پیچیده و چند بعدی است که از نظر مفهومی با تغییرات و تحولات تاریخی فراوانی مواجه بوده است گاهی به مدرن شدن و گاهی به غربی شدن تعریف شده است و لذا برخی فرآیند توسعه را نوعی مهندسی اجتماعی قلمداد کرده‌اند (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۳۱). در هر دوره زمانی، توسعه معانی متفاوتی به خود گرفته است. معنایی که امروزه از توسعه درک می‌کنیم، مربوط به تفکر نوین توسعه پس از جنگ جهانی دوم است. در حقیقت تجارب پیش از آن، پیشینه‌ای برای سیاست‌های توسعه محسوب می‌شوند، هرچند اصطلاح توسعه در آن زمان استعمال نمی‌شد (فراهانی، ۱۳۷۴: ۲۸). مفهوم توسعه فرهنگی بر اثر کوشش‌هایی که یونسکو در دهه هفتاد میلادی قرن بیستم

به‌کار بست، از رواج چشمگیری در مباحث و گفتگوهای فرهنگی بهره‌مند شد. پیش از آن نیز یونسکو با برپایی مجامعی کارشناسی در طی دهه شصت، ابزار لازم را جهت دامن زدن به این دست از تاملات و نگرش‌ها فراهم آورده بود (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۲۹). به یک اعتبار، توسعه فرهنگی را میتوان نتیجه و حاصل توسعه عمومی دانست هدف‌های توسعه، و روش‌های دستیابی به این هدف‌ها، معرف انتخاب‌ها و گزینش‌هایی است که در زمینه ارزش‌ها به عمل می‌آید. این گزینش‌ها با کل نظام اجتماعی-اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند. در واقع توسعه امری است پیچیده و چند بعدی که در درازمدت در جهت هدف‌هایی سیر می‌کند که خصلتی اجتماعی-فرهنگی دارند (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۳۰). توسعه فرهنگی مفهومی است که پس از جنگ جهانی دوم رواج یافته است و براساس اسناد و اطلاعات موجود می‌بینیم که مباحث مربوط به آن از دهه هفتاد میلادی شکل گرفته است (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۳۳).

مقصود از توسعه فرهنگی ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می‌باشد (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۹۵).

توسعه فرهنگی به معنای توسعه فعالیت‌های فرهنگی از طریق گسترش دسترسی به ابزارهای فرهنگی می‌باشد که در در واقع به معنای توسعه فرهنگ به معنای خرد می‌باشد. اما منظور از بعد فرهنگی تقویت جنبه انسانی و انگیزه‌ای توسعه است. در واقع عامل مهمی که در تحقق توسعه در هر نقطه جهان یا در هر دوره جغرافیایی پیش از این مورد غفلت قرار گرفته و اکنون می‌بایست توجه کافی به آن مبذول شود، موضوع انگیزه جمعی مردم یا اجتماعات برای توسعه است که به میزان زیادی توسط فرهنگ تعیین می‌شود (اجلالی، ۱۳۷۹: ۴۷).

یکی از ضرورت‌های توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی جهت دار و روشن بودن هدف‌مندی آن است، چون برنامه فرهنگی بدون خط و مشی، شباهت به موجود زنده دارد که فاقد قدرت دفاعی است. در اصل برنامه‌ریزی فرهنگی موجب نهادینه شدن و توسعه فرهنگی در هر کشوری می‌شود. هر باور ملی و فرهنگ عمومی را با این تفکر

همراه می‌سازد این امر درباره دو پدیده فرهنگی کارساز است بخصوص هنر نمایشی، شدیداً به یک راهبرد فرهنگی نیازمند است. (مختاباد، ۱۳۹۳، ۸۰)

توجه به بعد فرهنگی در فرآیندهای توسعه باید بر دلایلی استوار باشد که در سه اصل زیر خلاصه شود:

- فرهنگ اساس و بنیاد پیشرفت و تعالی انسان‌ها است.
- توسعه فرهنگی از توسعه اقتصادی جدا ناپذیر است.
- فرهنگ سهم به‌سزایی در رشد اقتصادی دارد.

این سه اصل اهمیت فراوانی دارند، زیرا بدون فرهنگ، توسعه تحقق نخواهد یافت و در نتیجه الگوی توسعه‌ای که بعد فرهنگی را مدنظر قرار ندهد به طور قطع با شکست مواجه خواهد شد (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۷۵).

اندیشه توسعه فرهنگی بعد از جنگ جهانی دوم، اذهان صاحب‌نظران علوم اجتماعی و نظری را به خود جلب کرد. این گروه در تحقیقات خود، توسعه را گذار از نظام سنتی به نظام جدید تعریف کردند. این نظریه سرلوحه برنامه‌ریزی کشورهای غربی قرار گرفت. مسلماً وقتی بحث توسعه فرهنگی پیش می‌آید، هدف بررسی تمامی شاخه‌های وابسته به این رشته است. بخش‌هایی که اگر با دید کارشناسانه به آنها توجه نشود به طور حتم آسیب‌های آن کمتر از فوایدش نخواهد بود. در نمودار توسعه فرهنگی، شاخه‌هایی چون هنرهای زیبا، ادبیات و ارتباطات انسانی قرار دارند که هر یک از این مجموعه‌ها شامل زیرمجموعه‌هایی هستند. (مختاباد، ۱۳۹۳: ۸۰). از لحاظ استراتژی توسعه فرهنگی، بر احیاء و رشد و تسریع فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در روابط اجتماعی و اعتلاء آگاهی‌های عمومی با عنایت به حفظ همبستگی ملی و رعایت تنوع و جوه منطقه‌ای و بومی و اطلاعات مخاطبان تأکید دارد. از لحاظ اهداف توسعه فرهنگی بر هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت، علم، هنر، فن، تربیت‌بدنی و مناسبات انسانی، خانوادگی و اجتماعی، همچنین مشارکت در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأکید دارد (امیری و دولت‌آبادی، ۱۳۸۷). اصطلاح توسعه فرهنگی اولین بار توسط یونسکو در دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ به کار رفت که به دهه توسعه فرهنگی شهرت یافت.

۳. پیشینه تحقیقات

با بررسی در اسناد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و همچنین جستجوی پیشرفته در فضای مجازی، تحقیق مستقلی پیرامون موضوع موصوف یافت نگردید. چه آنکه بیشتر پژوهشگران این حوزه، مباحث مرتبط با هنرهای نمایشی و بویژه تئاتر در کانون را، ذیل تحقیقات کلی در مورد کانون آورده اند. و از جهت نو بودن، این پژوهش می تواند نگاه پژوهشگران را به این موضوع معطوف سازد. مجله فرهنگی، هنری آنگاه با صاحب امتیازی و سردبیری آرش تنهایی، شماره دوم (۱۳۹۶) به بررسی کانون پرورش و فعالیت‌های آن در حوزه های مختلف اختصاص یافته است. در صفحه ۷۶ با مصاحبه بهروز غریب پور در مورد تئاتر عروسکی در کانون و سایر فعالیت های نمایشی، و در صفحه ۱۸۴ با مطلبی درباره کارگاه نمایش کانون به موضوع تئاتر در کانون پرداخته شده است. پارسا نژاد و نامجو (۱۳۹۶)، به تحقیقی تحت عنوان جریان های فکری حاکم بر تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با روش تاریخ شفاهی (از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۷۹ شمسی) پرداختند. هدف آنها بیان دیدگاه غالب کانون پرورش فکری، تئوری و نظریه ای برای مدیریت آن و بیان اثر بخشی نهاد فرهنگی کانون پرورش فکری، جهت اعتلای هنر در ایران بود. کانون پرورش فکری به عنوان مهمترین نهاد فرهنگی مؤلف و ناشر در ایران با تأثیرگذاری جریان های فکری حاکم بر آن، بر آثار هنری و ادبی هنرمندان و نویسندگان این نهاد، نشان دهنده ی عقاید مترقی، مثرثمر و راه گشا و ایده هایی است که در بعضی از دوره ها منجر به انزوای کانون شده بود. روش: از تاریخ شفاهی که یک روش تحقیقی کیفی مبتنی بر مصاحبه با اشخاص است، برای درک معانی، تفاسیر، روابط، تجربه های ذهنی و جریان فکری هنرمندان و مدیران کانون، استفاده شد. از این رو تاریخ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به سه دوره از تاسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)، از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۶۷) و از پایان جنگ تحمیلی تا سال (۱۳۷۹) یعنی دوره منسوب به سازندگی تقسیم شده است. یافته: بنابراین بر اساس یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که دوره اول جریان فکری چپ گرا و ملی گرا، دوره دوم جریان فکری انقلابی اسلامی و دوره سوم جریان فکری اسلامی و محافظه کارانه جریان های غالب بوده اند. همینطور هدف اصلی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که مبتنی بر پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان با تولید های ادبی و هنری و همچنین کشف استعداد های آنان است، در تمامی

دوره ها رویکردی ثابت بوده است و تمامی مدیران و مسئولان به آن وفادار بوده اند. باباخانی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان: نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ارتقای سطح خلاقیت نوجوانان، تاثیر عمیق فعالیت های هنری در پرورش خلاقیت بچه ها را بررسی کرده اند.

زهره رضوی ملایری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی مشابه به تاثیر فعالیت های هنری، بر پرورش خلاقیت بچه ها اشاره کرده اند. محمود مروج و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان: ارائه الگوی خط و مشی گذاری در سازمان های فرهنگی (مورد مطالعاتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) به روند سیاستگذاری فرهنگی در حوزه های مختلف کانون پرداخته اند. صدیقی و همکاران (۱۳۹۱) به تحقیقی تحت عنوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداختند. پژوهش ها نشان می دهد که محیط و اجتماع با حضور انسان شکل می گیرد و تحت تاثیر انسان است و انسان نیز تحت تاثیر محیط پیرامون خویش می باشد. کودکی زمان آغاز این تاثیر پذیری است. نقطه ای است که باید بستر آموزش و پرورش و رشد خلاقیت برایش فراهم باشد تا فردای جامعه را بهتر و فعال تر بسازد. اما چگونه می توان این بستر را فراهم ساخت؟ چطور انگیزش به کنجکاوای کودک را می توان بالا برد؟ چگونه می توان نیاز های کودکان را شناخته مطالعات نشان می دهد که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از جمله محیط هایی است که می تواند زمینه رشد و شکوفایی کودک را فراهم آورد. برای ایجاد این محیط فرهنگی و کمک آموزشی، ابتدا باید کودک را شناخت و روحیات و نیازها و دنیای او را کنکاش کرد. در این رساله تلاش شده است همگام با شناخت نیازهای کودک از طریق بررسی نظریات روانشناسان و مطالعات میدانی، مفاهیم مرتبط با موضوع تعریف شوند و بر مبنای تلفیق نظریات مرتبط، به بررسی برنامه فیزیکی، مطالعات اقلیمی و در نهایت مطالعات سایت و طراحی پرداخته شود.

۴. سوالات تحقیق

الف: اتخاذ چه سیاست هایی در کانون موجب توسعه هنرهای نمایشی در مراکز فرهنگی هنری می شود؟

ب: موانع توسعه هنرهای نمایشی در کانون کدام است؟

ج: جایگاه هنرهای نمایشی در بدنه کانون چیست؟

۵. اهداف تحقیق

۱.۵ هدف اصلی

شناسایی موانع توسعه تئاتر در مراکز کانون به منظور تجدید نظر در روند سیاستگذاری

۲.۵ هدف فرعی

انتشار دیدگاه جامعه خبرگان این حوزه به حوزه های سیاستگذاری

۶. روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش ترکیبی کیفی و کمی (نظریه داده بنیاد + توصیفی - پیمایشی) استفاده می شود. کیفی با استفاده از نظریه داده بنیاد (Grounded theory) برای به دست آوردن شناخت بهتر عناصر چالش ها و عوامل موثر بر توسعه فرهنگی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استفاده شده است و از روش کمی با استفاده از نرم افزار SPSS 20 برای اعتبار سنجی و یافتن ارتباط بین متغیرهای تحقیق، معنی دار بودن یا نبودن نتایج حاصل شده استفاده میشود.

روش تحقیق حاضر نظریه برخاسته از داده ها (داده بنیاد) نظریه ای است که مستقیماً از داده هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش بصورت منظم گرد آمده و تحلیل شده اند. گردآوری داده ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ هستند. در این روش، پژوهشگر کار خود را با نظریه ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی کند، بلکه کار خود را در عرصه واقعیت آغاز می کند و می گذارد تا نظریه از درون داده هایی که گرد هم می آورد، پدیدار شود. نظریه ای که از این طریق از داده ها استخراج شده باشد بیشتر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد و به دلیل آنکه از داده ها بیرون کشیده می شود، بیشتر می تواند بصیرت افزا باشد و فهم را تقویت کند و راهنمای عمل شود.

در تحقیق حاضر بعد از فرایند کدگذاری و نظریه داده بنیاد، از روش توصیفی - پیمایشی برای اعتبار سنجی و یافتن ارتباط بین متغیرهای تحقیق، معنی دار بودن یا نبودن نتایج حاصل شده استفاده می شود. در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده ها از مصاحبه استفاده شده است. مصاحبه به عنوان یکی از ابزارهای جمع آوری داده ها، امکان برقراری تماس مستقیم با مصاحبه شونده را فراهم می آورد و با کمک آن می توان به

ارزیابی عمیق‌تر ادراکات، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای مشارکت‌کنندگان پرداخت (سرمد و همکاران، ۱۳۹۵). از آنجایی که نظریه زمینه‌ای به روش گردآوری داده‌ها و توسعه نظری آن جهت می‌دهد، از این رو تا حدود زیادی مستلزم گردآوری داده‌های متنی یا مصاحبه‌های عمیق است. لذا روش مصاحبه عمیق مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود با این حال در مواردی از روش مشاهده مشارکتی و گردآوری اسناد و مدارک نیز به‌عنوان روش مکمل استفاده می‌شود. جامعه آماری پژوهش حاضر در بخش کیفی شامل کلیه خبرگان در زمینه هنرهای نمایشی در کانون است. جامعه آماری در بخش کمی را کلیه مدیران، کارشناسان مریدان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کانون تشکیل می‌دهند. تحقیق حاضر با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری (اشتراوس و کوبین، ۱۳۹۵) صورت پذیرفت و مسیریابی مورد توجه قرار گرفت که بیشترین بازده را در پی داشته باشد. براین اساس با توجه به مسئله پژوهش افراد مناسب برای مصاحبه در طی مراحل نمونه‌گیری از بین صاحب نظران و کارشناسان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بعمل آمد. مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه پیدا نمود که احساس شد جواب‌های ارائه شده با پاسخ‌های قبلی مشابهت داشته و چیزی به یافته‌ها اضافه نمی‌کنند و اصطلاحاً یافته‌های پژوهش به حد اشباع رسیده است. یعنی تا جایی که مقوله جدیدی در ارتباط با مقوله ظاهر نمی‌شد. نهایتاً از ۳۰ نفر از آنان مصاحبه بعمل آمد.

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش ابتدا بر مبنای نظریه داده بنیاد اشتراوس و کوبین (۱۹۹۸) کدگذاری (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) شد و سپس با روش توصیفی-پیمایشی ارتباط بین متغیرهای تحقیق و معنادار بودن و یا نبودن آنها با نرم افزار SPSS 20 مورد تحلیل قرار گرفت.

۱.۷ کدگذاری باز و داده‌های کیفی جدول (۱)

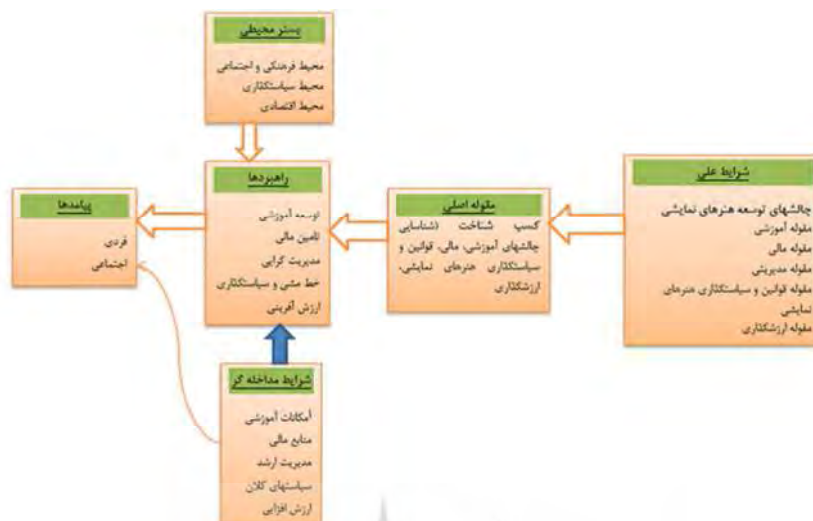
مفهوم	مقوله	ابعاد
<p>۱. تسهیم دانش بین کارکنان و مدیران هنرهای نمایشی کانون</p> <p>۲. برگزاری کلاسهای آموزشی</p> <p>۳. توجه به هنرهای نمایشی</p> <p>۴. اعطای بورس به مربیان جهت دوره آموزشی خارج کشور و بروزرسانی دانش در حوزه هنرهای نمایشی در کانون</p> <p>۵. برخورداری از نیروهای متخصص و کارآموده</p>	مقوله آموزشی	نقش کانون در توسعه هنرهای نمایشی در مراکز فرهنگی هنری (شرایط علی)
<p>۱. تخصیص اعتبارات کافی در کانون</p> <p>۲. استفاده از استراتژی پاداش برای بالا بردن انگیزه مربیان و کارکنان هنرهای نمایشی در کانون</p> <p>۳. تخصیص بودجه جهت بورسیه مربیان خارج کشور</p>	مقوله مالی	
<p>۱. افزایش کارایی و جذب مدیران با انگیزه</p> <p>۲. هماهنگی بین معاونت تولید و فرهنگی</p> <p>۳. شفاف بودن وظایف</p> <p>۴. تثبیت موقعیت مدیران و تغییرات پی در پی آنها</p>	مقوله مدیریتی	
<p>۱. اتخاذ چشم انداز بلند مدت درحوزه هنرهای نمایشی کانون</p> <p>۲. حمایت از مدیران ارشد کانون</p> <p>۳. حضور متولی رسمی و قانونی هنرهای نمایشی در کانون</p>	مقوله قوانین و سیاستگذاری هنرهای نمایشی	
<p>۱. بها دادن به هنرهای نمایشی</p> <p>۲. پررنگ بودن جایگاه تئاتر و هنرهای نمایشی در کانون</p> <p>۳. نگاه منسجم و هماهنگ به تئاتر و هنرهای نمایشی کانون</p> <p>۴. همکاری جهت رشد و تعالی هنرهای نمایشی کانون</p>	مقوله ارزش گذاری	
<p>۱. تسهیم دانش و ارائه کلاسهای آموزشی هنرهای نمایشی در کانون</p> <p>۲. قدرت مالی هنرهای نمایشی</p> <p>۳. استراتژی بلند مدت و تثبیت قانون</p> <p>۴. پررنگ بودن جایگاه هنرهای نمایشی و تئاتر</p>	کسب شناخت (شناسایی) توسعه آموزشی، مالی، قوانین و سیاستگذاری هنرهای نمایشی، ارزش گذاری	
<p>۱. تشابه ارزشهای فرهنگی بین کشورها</p> <p>۲. وجود ارتباطات رسمی و غیررسمی با سایر کشورها</p>	محیط فرهنگی و اجتماعی	شرایط محیطی (بستر)
<p>۱. باورها و اعتقادات مقامات ارشد دولتی نسبت به موفقیت هنرهای نمایشی کانون</p> <p>۲. نقش نهادهای سیاسی در توسعه هنرهای نمایشی کانون</p> <p>۳. انتشار ارزیابی عملکرد و شناسایی بهترین تجربه هنرهای نمایشی</p> <p>۴. استراتژی مناسب هنرهای نمایشی کودکان</p>	محیط سیاستگذاری و برنامه ریزی	

<p>۱. مناسب بودن فضای اقتصادی کشور برای تقبل برنامه های هنرهای نمایشی کانون ۲. مناسب بودن زیر ساختهای اقتصادی کشور برای توسعه همه جانبه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان</p>	<p>محیط اقتصادی</p>	
<p>۱. برگزاری مداوم کلاسهای آموزشی ۲. تسهیم دانش مدیران و کارکنان هنرهای نمایشی کانون ۳. مجهز به سیستم گرمایشی و سرمایشی کلاسها ۴. برخورداری از نیروی متخصص با تحصیلات آکادمیک و برتر</p>	<p>امکانات آموزشی</p>	<p>توانمندیها</p>
<p>۱. داشتن منابع کافی مالی برای توسعه و تحول هنرهای نمایشی کانون ۲. قدرت مالی مستقل هنرهای نمایشی کانون ۳. تمکین مالی پرسنل و کانون</p>	<p>منابع مالی</p>	
<p>۱. برخورداری مدیران ارشد از اطلاعات و دانش کافی در مباحث نوین مدیریت ۲. حمایت مدیران ارشد از نوآوری ها و ابتکارات</p>	<p>مدیریت ارشد</p>	
<p>۱. دارا بودن برنامه های جامع برای اجرای تحول در کانون ۲. دارا بودن چشم انداز روشن در تحول کانون</p>	<p>سیاستهای کلان</p>	
<p>۱. داشتن جایگاه بالای هنرهای نمایشی در کانون ۲. داشتن نقطه نظر و دیدگاه ثابت به تئاتر و هنرهای نمایشی</p>	<p>ارزش افزایی</p>	
<p>۱. برگزاری کلاسهای آموزش هنرهای نمایشی در کانون و تسهیم دانش ۲. تربیت و آموزش مربیان متخصص هنرهای نمایشی در کانون و تشریک مساعی دانش ۳. بذل توجه به همه هنرهای نمایشی در کانون ۴. استفاده از نیروهای متخصص و با تحصیلات آکادمیک بالا در کانون ۵. اعطای بورس به مربیان جهت دوره آموزشی در خارج از کشور جهت بروز رسانی این حوزه در کانون</p>	<p>توسعه آموزشی</p>	
<p>۱. تخصیص اعتبارات مالی کافی در کانون ۲. استفاده از استراتژی پاداش در قبال عملکرد مثبت مربیان در کانون ۳. تخصیص اعتبار و بودجه جهت بورسیه به مربیان جهت بروزرسانی دانش خود در حوزه هنرهای نمایشی در کانون</p>	<p>تامین مالی</p>	<p>راهبردها</p>

<p>۱.افزایش کارایی مدیریتی ۲.توجه به نتیجه جای فرایند ۳.افزایش سرعت تصمیم گیری ۴.تثبیت موقعیت مدیران و عدم تغییرات بی در پی آنها ۵.هماهنگی بین معاونت تولید و هماهنگی ۶.شفاف بودن وظایف و شرح مسئولیت‌ها</p>	مدیریت گرای	
<p>۱.ارائه ماموریت و چشم انداز بلندمدت در حوزه هنرهای نمایشی ۲.حمایت مدیران ارشد به نوآوری و تحول در هنرهای نمایشی کوردکان ۳.حضور متولی رسمی و قانونی هنرهای نمایشی در کانون</p>	خط مشی و سیاست‌گذاری	
<p>۱.بها دادن به هنرهای نمایشی در کانون ۲.پررنگ کردن جایگاه تئاتر در کانون ۳.حمایت انتشارات کانون از نمایشنامه نویسان ۴.نگاه منسجم تر به تئاتر ۵.همکاری جهت رشد و تعالی هنرهای نمایشی در کانون</p>	ارزش آفرینی	
<p>۱.افزایش کارایی فرد ۲.افزایش رضایت از هنرهای نمایشی در کانون ۳.بهبود عملکرد هنرهای نمایشی کانون</p>	فردی	توسعه
<p>۱.کاهش وابستگی ۲.بهبود سازی هزینه ها ۳.سلامت اجتماعی</p>	اجتماعی	

۲.۷ کد گذاری محوری

تدوین پارادایم کدگذاری محوری از دل داده های کیفی : بر اساس آن، خط ارتباطی میان مقوله های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، شرایط مداخله گر، بستر، راهبرد و پیامدها مشخص شد. نمودار (۱)، پارادایم کدگذاری محوری و بعبارت دیگر مدل فرایند کیفی پژوهش را نشان می دهد. در ادامه با کدگذاری انتخابی به بررسی و شرح اجزای مدل پژوهش می پردازیم.



نمودار ۱. مدل تبیین کننده توسعه هنرهای نمایشی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (کدگذاری محوری)

۳.۷ کد گذاری انتخابی

مهمترین مرحله نظریه پردازی کد گذاری انتخابی است. که در آن پژوهشگر مقوله های محوری را به مقوله های دیگر ربط می دهد. ارتباط آنها را تبیین می کند و دست به اصلاح می زند. در این پژوهش نیز سعی پژوهشگر بر آن بود تا برقراری ارتباط بین مقوله های توسعه هنرهای نمایشی در مراکز فرهنگی و هنری کانون را در قالب روایتی داستان گونه برآمده از داده ها بیان کند، تا تغییر گویایی از آن به دست آید. بیان روایتی در واقع مغز اصلی کد گذاری انتخابی و تئوری محقق در تحقیق به حساب می آید.

الف: کسب شناخت تحت تاثیر مقوله آموزشی، مقوله مالی، مقوله مدیریتی، مقوله قوانین و سیاستگذاری هنرهای نمایشی و مقوله ارزشگذاری است.

ب: کسب شناخت با تاثیر پذیری از شرایط علی، منجر به شکل گیری توسعه آموزشی، تامین مالی، مدیریت گرایی، خط مشی و سیاستگذاری، ارزش آفرینی می شود.

ج: این کنش ها در بستر، امکانات آموزشی، منابع مالی، مدیریت ارشد، سیاستهای کلان، ارزش افزایی همزمان از محیط فرهنگی و اجتماعی، محیط سیاستگذاری و برنامه ریزی، محیط اقتصادی تاثیر می پذیرند.

بررسی چالش‌های فراروی توسعه هنرهای نمایشی در مراکز ... (حسین موذن و دیگران) ۲۹۷

د: چنین کنش‌ها و واکنشهایی پیامدهای فردی و پیامدهای اجتماعی به‌مراه آورده و انتقال و کاربرد توسعه هنرهای نمایشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را موجب می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

مقولات شناسایی شده بر اساس پرسش‌نامه‌ها و گفتگو با خبرگان این حوزه، ضرورت بازنگری در سیاست‌ها کلی مرتبط با حوزه هنرهای نمایشی را می‌طلبد. در پنج مقوله شناسایی شده، ضرورت برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت، برای حوزه هنرهای نمایشی ضرورت دارد. به روز رسانی سیاست‌ها، متناسب تغییرات اوضاع جامعه و نسل جدید، از دیگر مقولات تاثیرگذار در این حوزه است.

جدول ۲. توسعه فرهنگی هنرهای نمایشی

متغیر	ابعاد
مقوله آموزشی مقوله مالی مقوله مدیریتی مقوله قوانین و سیاستگذاری هنرهای نمایشی مقوله ارزش‌گذاری	نقش کانون در توسعه هنرهای نمایشی در مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (شرایط علی)

۱۸ مقوله آموزش

آموزش‌ها در تهران متمرکز شده و دسترسی برای همه مربیان و کارشناسان دشوار است. در این خصوص بهره‌گیری بیشتر از فرصت‌های فضای مجازی می‌تواند راهگشا باشد. از طرفی ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای همه سطوح سازمانی، از عوامل انگیزشی تاثیرگذار است. روز آمد کردن سرفصل دوره‌های آموزشی، و به روز رسانی متون آموزشی در تغییر نگرش‌ها بسیار حائز اهمیت است.

۲۸ مقوله مالی

بودجه اختصاص یافته به فعالیت‌های نمایشی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها بسیار ناچیز است. واز آنجا که فعالیت تئاتر، هنری هزینه‌بر هست، برای رسیدن به تولیدات مناسب

تخصیص اعتبار لازم حائز اهمیت است. تامین اعتبار برای استفاده کارشناسان و مربیان، از فرصت های خارجی آموزشی، علاوه بر افزایش انگیزه و دلبستگی سازمانی، در گسترش افق دید کارشناسان و مربیان تاثیر مثبت دارد.

۳۸ مقوله مدیریتی

متأسفانه در سالهای اخیر (دهه نود) ثبات مدیریت در کانون تحت تاثیر جریان های سیاسی دچار آسیب شده است . و جریان ها و حرکت های فرهنگی ، برای تاثیر گذاری مستلزم صرف زمان است. از طرفی استفاده از مدیران نا آشنا به حوزه کانون نیز مزید بر علت شده است. مدیریت های کانون از جنس مدیریت تخصصی است و مقوله آموزش برای مدیران کانون ضرورت همیشگی دارد. به نظر می رسد با توجه به تخصصی بودن مدیریت، ضرورت دارد سرمایه گذاری برای تربیت مدیران، متوجه نیروهای درون سازمانی قرار گیرد.

۴۸ مقوله قوانین و سیاستگذاری هنرهای نمایشی

تغییر پی در پی قوانین و بخش نامه های صادره از ستاد مرکزی ، در حوزه هنرهای نمایشی، کارشناسان و مربیان را دچار سردرگمی کرده است. در حوزه فرهنگ برای تاثیر گذاری بیشتر نیاز به ثبات است ، و هر گونه تغییر بدون مطالعه کارشناسی ، می تواند به روند کار ضربه بزند. ضرورت شفافیت قوانین و مقررات ضرورتی غیر قابل انکار است. ترسیم چشم انداز بلند مدت برای هنرهای نمایشی در کانون، مسیر برنامه ریزی را هموار می کند. حضور متولی رسمی و قانونی هنرهای نمایشی در کانون نیز می تواند در تثبیت جایگاه هنرهای نمایشی کانون در بدنه هنرهای نمایشی کشور تاثیر گذار باشد.

۵۸ مقوله ارزش گذاری

به نظر می رسد هنرهای نمایشی و بویژه فعالیت تئاتر جایگاه گذشته خود را در کانون از دست داده است. بعد از انقلاب اسلامی ، دیدگاههای متفاوت و گاه متعارض در عرصه مدیریتی هنرهای نمایشی کانون حاکم بوده است. فصل مشترک همه آنها بها دادن به نمایش عروسکی و پرهیز از اجرای زنده بوده است، تا جایی که تئاتر کانون را به عروسکی می شناسند ازین منظر ، و با توجه به تغییر ذائقه بچه ها نیاز به بازنگری جدی در این حوزه احساس می شود.

بر اساس نتایج به دست آمده از دیدگاه خبرگان، هنرهای نمایشی بعنوان واسطه تربیتی تاثیرگذار نتوانسته است جایگاه خوبی را در کانون اتخاذ کند. متولیان کانون آنقدری که به سایر هنرها می پردازند به تاتر توجهی ندارند و تولید تئاتر فقط در تهران متمرکز است جایگاه سازمانی هنرهای نمایشی از جنبه تولید همان معاونت تولید است و از نظر تئاتر خلاق و اماتور معاونت فرهنگی است. این جایجایی مداوم تئاتر بین معاونت تولید و معاونت فرهنگی، نشان می دهد تعریف دقیقی از هنرهای نمایشی و تاثیر آن وجود ندارد. چنانکه در دیدگاه خبرگان نیز مشهود بود، هنوز هم هستند افرادی که تئاتر را در کانون بر نمی تابند. این ناهماهنگی و عدم تعریف درست از مقوله هنرهای نمایشی، باعث تشتت در برنامه ریزی شده است تا جایی که پاسخ روشنی در مورد تئاتر وجود ندارد، برخی فعالیت تئاتر را فقط در چهارچوب تئاتر عروسکی تعریف می کنند.

۹. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده های کیفی نظریه داده بنیاد با استفاده از نرم افزار SPSS20 فرضیه های ذیل را نشان می دهد:

۱.۹ فرضیه ۱

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در توسعه هنرهای نمایشی در حوزه آموزشی، مالی، مدیریتی، قوانین و سیاستگذاری هنرهای نمایشی، ارزشگذاری برای دستیابی به کسب شناخت توسعه هنرهای نمایشی رابطه معنادار دارد. آماره t -value برابر ۴.۰۳۹ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی ۱.۹۶ است. بنابراین رابطه و ضریب بتا مشاهده شده معنادار است.

۲.۹ فرضیه ۲

بین مقوله های راهبردی (توسعه آموزش، تامین مالی، مدیریت گرایشی، خط مشی و سیاستگذاری و ارزش آفرینی)، وکسب شناخت توسعه هنرهای نمایشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد.

آماره t-value برابر ۳.۹۵۱- بدست آمده است که کوچکتر از مقدار بحرانی ۱.۹۶ است. بنابراین رابطه و ضریب بتا مشاهده شده معنادار نیست و فرضیه مذکور رد می شود.

۳.۹ فرضیه ۳

محیطهای (فرهنگی و اجتماعی، محیط سیاستگذاری و برنامه ریزی، محیط اقتصادی) در اتخاذ راهبرد توسعه هنرهای نمایشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رابطه معنادار دارند.

آماره t-value برابر ۲.۴۴۴- آمده است که کوچکتر از مقدار بحرانی ۱.۹۶ است. بنابراین رابطه و ضریب بتا مشاهده شده معنادار نیست و فرضیه مذکور رد می شود.

۴.۹ فرضیه ۴

شرایط مداخله گر (امکانات آموزشی، منابع مالی، مدیریت ارشد، سیاستهای کلان، ارزش افزایی)، در اتخاذ راهبرد توسعه هنرهای نمایشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رابطه معنادار دارند.

آماره t-value برابر ۰.۲۵۶- بدست آمده است که کوچکتر از مقدار بحرانی ۱.۹۶ است. بنابراین رابطه و ضریب بتا مشاهده شده معنادار نیست و فرضیه مذکور رد می شود.

۵.۹ فرضیه ۵

راهبرد توسعه هنرهای نمایشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شرایط مداخله گر، و بسترهای محیطی با پیامد فردی و اجتماعی رابطه معنادار دارند.

آماره t-value برابر ۴.۲۰۹- بدست آمده است که کوچکتر از مقدار بحرانی ۱.۹۶ است. بنابراین رابطه و ضریب بتا مشاهده شده معنادار نیست و فرضیه مذکور رد می شود.

در مرحله اول ابتدا داده های کیفی برآمده از تحلیل مصاحبه های انجام شده با مشارکت کنندگان پژوهش در مکان مورد مطالعه، و نیز طرح مدل نظری مستخرج از دل داده ها در چارچوب طرح نظامند نظریه داده بنیاد اختصاص داده شده است. در این راستا نخست مقوله های بدست آمده از فرآیند کدگذاری باز پژوهش ارائه و سپس اجزای پارادایم کدگذاری محوری- شامل شرایط علی، مقوله اصلی، راهبردها، زمینه، شرایط

مداخله گر و پیامدها به تفکیک و براساس مقوله های زیر مجموعه خود طرح و در نهایت طبق کدگذاری انتخابی به هم پیوند داده شده اند و سیر داستان ترسیم گشته است. در مرحله دوم تحلیل کمی داده های تحقیق پنج فرضیه مطرح شد که جهت اثبات هر یک از فرضیه های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS 20 رگرسیون خطی چندگانه زده شد و مقدار آماره t و سطح معناداری و دوربین واتسون و ضریب بتا همه متغیرها محاسبه شد و نتایج فرضیه ها حاکی از مورد تایید قرار گرفتن تنها فرضیه اول بود و فرضیه ۲ تا ۵ همگی رد شدند.

۱۰. پیشنهادات (بر اساس یافته‌های پژوهش)

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جایگاه ویژه ای را در بین کودکان و نوجوانان داشته و دارد. با توجه به اعتبار کانون و اعتماد اقشار مختلف جامعه (سرمایه اجتماعی) این سازمان کم نظر در دنیا می تواند نقش موثری در رشد و توسعه هنر نمایش بعنوان یک واسطه تربیتی تاثیر گذار داشته باشد. کانون می تواند با بهره مندی از کارشناسان هنری در راستای تقویت تئاتر کودک، گام اساسی بردارد. لذا بر اساس یافته های پژوهش، برای تقویت این حوزه پیشنهادات ذیل ارائه می گردد:

- ثبات مدیریت.
- استفاده از مدیران مجرب و آشنا به کانون.
- تفویض اختیارات به مدیران.
- تنوع و تقویت عوامل انگیزشی در قبال عملکرد مثبت به مدیران و کارکنان.
- تامین بودجه کافی و مستقل برای هنرهای نمایشی
- حمایت از نمایشنامه نویسان حوزه تئاتر کودک و نوجوان
- اتخاذ استراتژی مناسب و بلندمدت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در حوزه هنرهای نمایشی.
- فراهم کردن امکانات آموزشی اعم از وسایل کمک آموزشی، فضای مناسب و نیروهای متخصص برای هنرهای نمایشی
- تلاش برای بهبود عملکرد کیفی هنرهای نمایشی کانون.
- بهره گیری از نیروهای متخصص آکادمیک و جوان در هنرهای نمایشی کانون.

- کاهش وابستگی به نهادها و سازمانهای دیگر.
- ثبات نسبی برنامه ها و بخش نامه های حوزه هنرهای نمایشی.

کتابنامه

- اجلالی، پرویز. (۱۳۷۹)، سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی در ایران، آن، تهران
اشتراوس، آنسلمو؛ کورین، جولیت. (۱۳۹۵)، مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای؛ ترجمه
ابراهیم افشار، تهران، نی
- امیری صالحی، سیدرضا؛ دولت آبادی عظیمی، امیر. (۱۳۸۷)، مبانی سیاستگذاری و برنامه ریزی
فرهنگی، چاپ اول، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی.
بنیانیان، حسن. (۱۳۸۶)، فرهنگ توسعه در ایران، امیرکبیر، تهران.
- پارسا نژاد، داریوش؛ نامجو، عباس. (۱۳۹۶)، جریان های فکری حاکم بر تولیدات کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان با روش تاریخ شفاهی (از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۷۹ شمسی)، دانشگاه علم
و فرهنگ تهران.
- پلومر، دی بورا. (۱۳۹۱)، بازی های تقویت مهارت های اجتماعی کودکان، مترجم: شهرام واحدی،
خلیل اسماعیل پور، پیروز قادر، مجید اصلان آبادی، ناشر فروزش،
پهلوان، چنگیز. (۱۳۷۸)، فرهنگ شناسی، پیام امروز، تهران
- خدا، حمیرا؛ مدانلو، معصومه؛ ضیایی، طیبه؛ کشتکار، عباسعلی. (۱۳۸۸)، اختلالات رفتاری و برخی عوامل مرتبط با آن
در کودکان سن مدرسه شهر گرگان، پژوهش پرستاری، دوره ۱۴، صفحه ۳۷-۲۹.
- خلج، منصور. (۱۳۸۲)، تئاتر و نشانه ها، سوره مهر، تهران.
- سرمه زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۹۵)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران.
- قاسم زادگان جهرمی، حمید. (۱۳۸۸)، نمایش و رویاپردازی های کودکان، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۲۰،
صفحه ۴۱-۳۹.

Grodach, Carl. (2006), Culture Development and the Entrepreneurial City: The flagship culture Strategy in Los Angeles, san Francisco, and San Jose, PHD. Thesis in Urban Planning, University of California, Los Angeles.